

«یادگیری هزربانی، دریچه ای به سوی جهانی نوین است.»

خانم دکتر "آنه ماری شیمیل" از مشهورترین شرق شناسان به شمار می آید (شمرده می شود). در "آلمان" متولد شد و از زمان کودکی به هرچه که به شرق مربوط میشد، مشتاق بود و شیفته ی ایران بود. (مشتاق و شیفته ی ایران بود). زمانی که مطالعه ی زبان عربی را آغاز کرد، پانزده سال داشت (سنش پانزده سال بود). در نوزده سالگی خود مدرک دکتری در فلسفه و مطالعات اسلامی را به دست آورد (یا: هنگامی که در نوزده سالگی خود بود، مدرک.. را به دست آورد). (وی) زبان ترکی رایاد گرفت و در دانشگاه آنکارا درس داد. شیمیل، دنیای غربی مسیحی را به فهمیدن واقعیت های دین اسلام و آگاهی برآن دعوت می کرد. و این کار، مقامش را در دانشگاه های کشورهای اسلامی بالا برد، پس به (دریافت) دکتری افتخاری از دانشگاه های سند، اسلام آباد، پیشاور، قونیه و تهران نایل گشت (دکترای افتخاری در .. را به دست آورد) .

او زبان های بسیاری از جمله فارسی، عربی، ترکی، انگلیسی، فرانسوی و اردو را یاد گرفت؛ و سخنرانی هایی به زبان فارسی می کرد. او مثالی برای این عبارت بود: "انسان، با هزربانی یک انسان است."

شیمیل بیش از صد کتاب و مقاله از جمله کتابی در مورد شخصیت جناب جلال الدین بلخی (مولانا) تألیف کرد. او زندگی در شرق را دوست می داشت، به همین دلیل مدتی طولانی در هند و پاکستان درس داد و همین طور نزدیک به بیست و پنج سال در دانشگاه هاروارد تدریس کرد.

شیمیل پیش از مرگش به همکاری سفارش کرد که گروهی را جهت گفت و گوی دینی و فرهنگی تشکیل دهند که هدف برترش "گسترش پل های دوستی و تفاهم بین اروپا و جهان اسلام" و "همبستگی بین تمدن ها" باشد.

شیمیل دریکی از مصاحبه هایش به دعاهای اسلامی اشاره کرد و گفت : "من دعاها و حدیث های اسلامی را به زبان عربی می خوانم و به ترجمه ی آن ها مراجعه نمی کنم."

او وصیت کرد که این حدیث روی قبرش نوشته شود : "الناس نیامَ فإذا ماتوا انتَبهوا." (مردم خفتگانند، پس آن گاه که بمیرند، آگاه می شوند) (بیدار می شوند). "حضرت پیامبر (ص)

\*\*\*\*\*

ص. ۵۸ : نکات واژه نامه

-أَشَارَ: اشاره کرد؛ حروف اصلی: ش و ر؛ ماضی باب إفعال / أَشَارَ يُشِيرُ أَشِيرُ إشارة

- أَلْقَى (اگر به تنهایی باشد): انداخت = رَمَى، قَذَفَ ؛ حروف اصلی: ل ق ي ؛ ماضی باب إفعال / أَلْقَى يُلْقِي أَلْقَى إلقاء

- مُحَاضِرَةٌ : سخنرانی، مصدر باب مفاعلة است.

- أَلْقَى مُحَاضِرَةٌ : سخنرانی کرد، سخنرانی ایراد کرد

- أَوْصَى : سفارش کرد، وصیت کرد؛ حروف اصلی: و ص ي ؛ ماضی باب إفعال / أَوْصَى يُوصِي

- سَكَّلَ: تشکیل داد، ثلاثی مزید (باب تفعیل) سَكَّلَ يُسَكِّلُ سَكِّلُ تَشَكِيل

- شهادة: مدرک (در این درس)، گواهی دادن، شهادت

- عَدَّ: به شمار آورد، شمرد(از "عدد" می آید)، حروف اصلی: ع د د ، ثلاثی مجرد است: عَدَّ يَعُدُّ

در درس مضارع مجهول این فعل ذکر شده: يُعَدُّ: به شمار می رود، شمرده می شود

- قَارَبَ: نزدیک شد؛ با قَرَّبَ و تَقَرَّبَ فرق دارد. قَارَبَ نزدیک بودنِ زمانی است.

- مَدَّ: کشید(در صورتی که ماضی باشد)، گسترش داد

- مَدَّ: گسترش(در صورتی که مصدر باشد)؛ دو کلمه ی مشابه است و این نیست که یک کلمه هم به معنای فعل باشد، هم مصدر:

مَدَّ(فعل ماضی):کشید، گسترش داد

يَمُدُّ(فعل مضارع):می کشد، گسترش می دهد

مَدَّ(مصدر):کشیدن، گسترش، گسترش دادن

- مُشْتَرِقٌ: خاورشناس، شرق شناس، حروف اصلی: ش ر ق، اسم فاعل از باب استفعال

- مُنذٌ: از زمان ، از هنگام؛ (از یک مدت زمان خاصی تا الآن)

\*تَوَجَّهَ: تَقَافَةً با حَضَارَةً اشتباه نشود.

حَضَارَةً با مُحَاضِرَةً اشتباه نشود.

عَدَّ با مَدَّ اشتباه نشود.

مُحَاضِرَةً(سخنرانی) با مُقَابِلَةً(مُصَاحِبَهُ) با مُصَاحِبَةً(هم صحبتی کردن، دوستی) با مُنَاطِرَةً(به هم یاباهم نگاه کردن) اشتباه نشود.

\*\*\*\*\*

## ص. ۷۸ : درك مطلب

مطابق با متن درس به سوال های زیر پاسخ بده:

۱. شيميل دعاهاى اسلامى رابه چه زبانى مى خواند؟ كانت تقرأ الأدعية الإسلامية باللغة العربية.

۲. کدام حديث بر مزار شيميل نوشته شد؟ "الناس نيام فإذا ماتوا انتبهوا."

۳. شيميل چند کتاب و مقاله تأليف کرد؟ ألفت أكثر من مئة كتاب و مقالة.

۴. شيميل همكارانش رابه چه چيز سفارش کرد؟ أوصتهم أن يُشكّلوا فريقاً للحوار الديني و الثقافي يكون هدفه الأعلى "مدّ جسور الصداقة

والتفاهم بين أوروبا و العالم الإسلامي" و "الاتحاد بين الحضارات".

۵. شيميل در كجا متولد شد؟ وُلدت في ألمانيا.

\*\*\*\*\*

## ص. ۸۲ : التمرين الأول:

کلمه مناسبی از کلمات واژه نامه درس در جای خالی قرار بده:

۱. مُعْجَبَةٌ : شيمل از زمان کودكيش به هرچه كه به شرق مربوط ميشد، اشتياق داشت و شيفته ي ايران بود .
۲. الْفَخْرِيَّةُ : دكترای افتخاری همان مدرکی است كه به كسی داده می شود تا از تلاش هایش درزمينه ي مشخصی قدردانی شود. (برای قدرشناسی از تلاش هایش درزمينه مشخصی به او داده می شود).
۳. أَنْقَرَةٌ : مسلماً آنكارا بعدازاستانبول دومين شهر بزرگ در تركيه است.
۴. الْأُرْدِيَّةُ : مردم پاكستان به زبان اردو صحبت می كنند.
۵. الْإِنْجِلِيزِيَّةُ : زبان رسمي در بریتانیا انگلیسی است.

## ص. ۵۵ : نکات متن درس

- تَعَلَّمَ: مبتدا، كل: مضاف إليه، لغة: مضاف إليه، فُتِحَتْ: خبر (از نوع اسم)، إلى عالم: جار و مجرور، جدید: صفت

ص. ۷۶:

- سطر ۱: تُعَدُّ: فعل مجهول

- سطر ۲: وُلِدَتْ: فعل مجهول، إلى كل: جار و مجرور، ما: مضاف إليه، يرتبط: فعل

- سطر ۴: حين: قيد زمان، بدأت: فعل، بدراسة: جار و مجرور، اللغة: مضاف إليه، العربية: صفت لغة

- سطر ۶: \*تَوَجَّهَ: جمله "دَرَسَتْ فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ." (در دانشگاه آنکارا درس داد.) اگر فعل بدون تشدید شود، ترجمه متفاوت می گردد: دَرَسَتْ فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ: در دانشگاه آنکارا درس خواند.

- سطر ۷: العالم: مفعول، الغربي: صفت العالم، المسيحي: صفت العالم، لفهم: جار و مجرور، حقائق: مضاف إليه، الدين: مضاف إليه، الإسلامي: صفت دين

- سطر ۸: هذا: مبتدا، العمل: وابسته به هذا، رَفَعَ: خبر (از نوع فعل)، شأن: مفعول، ها: مضاف إليه

\*تَوَجَّهَ: اگر جمله به این صورت تغییر یابد، ترجمه و نقش های ارکان جمله نیز تغییر می کنند: هذا عَمَلٌ رَفَعَ شَأْنَهَا.

به مشابهت دو جمله تَوَجَّهَ فرماید:

۱. هذا العمل رَفَعَ شَأْنَهَا. این کار، مقامش را بالا برد. هذا: مبتدا، العمل: وابسته و تابع هذا، رفع: خبر (از نوع فعل)

۲. هذا عَمَلٌ رَفَعَ شَأْنَهَا. این، کاری است كه مقامش را بالا برد. هذا: مبتدا، عمل: خبر (از نوع اسم)، رفع: فعل و صفت (جمله ی وصفیه) برای عمل، شأن: مفعول، ها: مضاف إليه

- سطر ۱۰: تَعَلَّمَتْ: فعل، لغات: مفعول، كثيرة: صفت

صرفاً جهت اطلاع:

و: حرف عطف، العربية: معطوف بر الفارسیة، و: حرف عطف، التركية: معطوف بر الفارسیة، و: حرف عطف، الإنجليزية: معطوف بر الفارسیة، و: حرف عطف، الفرنسية: معطوف بر الفارسیة، و: حرف عطف، الأردیة: معطوف بر الفارسیة

\*تَوَجَّهَ: هرگاه بین دو کلمه مرتبط به هم و، ف، ثُمَّ، أَوْ، أم (حروف عطف) بیاید، کلمه ای كه بلافاصله بعد از این حروف می آید در محل اعرابی "معطوف" نام دارد و کلمه ی مرتبط پیش از حروف عطف "معطوفٌ علیه". نکته: ۱. بین حرف عطف و معطوف نباید فاصله ای

باشد، اما بین معطوف علیه و حرف عطف ممکن است فاصله باشد. ۲. حرف عطف و معطوف بودن نقش است، اما معطوف علیه بودن نقش نیست و معطوف علیه ما معمولاً یا فاعل است یا مفعول یا مبتدا و ..

- سطر آخر: أَلْفَتْ: فعل، شيميل: فاعل، أكثر: مفعول، من مئة: جار ومجرور، كتاب: مضاف إليه، و: حرف عطف، مقالة: معطوف به كتاب، حول: قيد مكان، شخصية: مضاف إليه، جلال الدين: مضاف إليه، البلخي: بدل  
ص. ۷۷:

- سطر ۱ و ۲: مجدداً همان نکته که در مورد "دَرَسَتْ" ذکر شد، این جا تکرار شده.

- سطر ۲: دَرَسَتْ: فعل، كذلك: جار ومجرور، ما: مفعول برای دَرَسَتْ، يُقَارِبُ: فعل، خمسة: مفعول برای يُقَارِبُ، عاماً: معدود، في جامعة: جار ومجرور، هارفارد: مضاف إليه

- سطر آخر: إذا: ادات شرط، ماتوا: فعل شرط(ماضی) و فاعل آن ضمير واو، انتبَّهوا: جواب شرط(ماضی) و فاعل آن ضمير واو

\*انتبَّهوا: آگاه شدند=تَنَبَّهوا، حروف اصلی: ن ب ه، باب افتعال، اِنْتَبَهَ يَنْتَبِهُ اِنْتَبَاهُ اِنْتَبَاه

انتبَّهوا: آگاه شدند(ماضی) ، انتبَّهوا: آگاه شوید(امر)

والسلام

حقيقي